



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ خرداد ۱۳۹۰

مصادف با: ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۳۲

جلسه: ۳۳

موضوع کلی: اعتبار روایات تهذیبین

موضوع جزئی: اشکال بر دلیل دوم و بررسی آن

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

نتیجه بحث ما در مورد اعتبار روایات تهذیبین تا اینجا این شد که دلیل اول قائلین به اعتبار روایات این دو کتاب از سه اشکالی که نسبت به این دلیل مطرح شده بود مصون مانده است، سه اشکال مطرح شد که هر سه اشکال پاسخ داده شد. نتیجه بحث این شد که اگر شیخ طوسی روایتی را نقل کند که ضعیف باشد تارةً در مقام رفع تعارض است که روایتی را ضعیف می‌داند و آن را طرح می‌کند چون بالاخره یا باید بین دو روایت جمع شود یا یکی بر دیگری ترجیح داده شود، در مقایسه دو روایت طبیعتاً یکی از وجوه تقدیم این است که از نظر مرجحات خارجی و وجهی پیدا شود، حال اگر سند روایتی ضعیف باشد مرجح خارجی ندارد و آن روایت دیگر که در مقابل این روایت قرار گرفته مرجح خارجی دارد، بخشی هم مربوط می‌شود به مرجحات داخلی که مربوط به دلالت روایت و مضمون روایت است مثل موافقت با شهرت، مخالفت با عامه و معیارهای دیگری که وجود دارد، به هر حال یک صورت مسئله این است که این روایات ضعیف روایاتی هستند که در مقام رفع تعارض، شیخ طوسی آن را کنار می‌گذارد، گاهی از اوقات شیخ طوسی روایتی را نقل می‌کند و در عین حال به آن روایت استدلال و استناد می‌کند که مشکل اصلی اینجا است که روایت ضعیفی نقل شود و به آن استناد بشود، ما نمونه‌هایی از روایات ضعیف تهذیبین را نقل کردیم که همه مربوط به مقام تعارض بود که در تعارض، یکی از این دو روایت بخاطر مشکلی که در سند دارد کنار گذاشته می‌شود و طبیعتاً اصلاً به آن روایت ضعیف استدلال نشده است.

### توجهات سه گانه برای استناد شیخ طوسی به روایات ضعیف:

گاهی از اوقات ممکن است شیخ طوسی یک روایت ضعیفی را نقل بکند و به آن استدلال هم بکند در این صورت می‌شود یکی از سه توجه زیر را برای استناد به روایت ضعیف ذکر کرد:

**توجه اول:** این است که روایتی که از شخصی ضعیف نقل شده مربوط به حال استقامت آن شخص بوده؛ یعنی دورانی که آن ضعف را نداشته است.

**توجه دوم:** این است که بگوئیم این روایت غیر از این طریق از طریق دیگری هم نقل شده که آن طریق دیگر صحیح بوده لذا نقل این روایت در اینجا مشکلی ایجاد نمی‌کند.

**توجیه سوم:** سومین توجیه این است که بگوییم این روایت علیرغم ضعفی که داشته اما چون مورد عمل طائفه بوده و اجماعاً به این روایت عمل می‌کرده‌اند لذا در نظر شیخ طوسی یک قرینه محکمی بر صدق این روایت بوده ولو اینکه سند آن هم ضعیف بوده است، پس هر کدام از این سه توجیهی که عرض کردیم باشد نتیجه این می‌شود که روایات مشکلی ندارد و معتبر است.

### **بررسی دلیل دوم اعتبار روایات تهذیبین:**

دلیل دوم هم که ما از قول مرحوم علامه مجلسی نقل کردیم این بود که چون روایاتی که در تهذیبین آمده همه از کتب معروفه و مشهوره و اصول معروفه و مشهوره اخذ شده نیازی به پیگیری طریق آن‌ها تا معصوم نیست، البته این کتابها خودشان چند دسته هستند که شما اگر به فهرست شیخ طوسی، رجال نجاشی و مشیخه‌ای که در پایان کتاب من لا یحضره الفقیه و پایان کتاب تهذیبین و مقدمه مطالبی که شیخ صدوق در اول من لا یحضره الفقیه فرموده مراجعه بکنید اسامی صاحبان کتب معروفه و مشهوره را می‌توانید ببینید، بعضی از اینها در وثاقت و صحت اعتقاد و عدالت به قدری برجسته هستند که همین قدر که روایتی از قول آن‌ها نقل شود برای صحت روایت کافی است، صاحبان این کتب دارای کتاب بوده‌اند و تصریح شده که دارای کتاب بوده‌اند و کتب آن‌ها هم معروف و مشهور بوده و اصحاب هم به این کتب عمل کرده‌اند البته تعداد اینها خیلی زیاد نیست ولی جمع زیادی هستند که از آن‌ها نام برده شده که کتاب و اصل دارند و کتاب آن‌ها هم از کتب مشهوره است، بعضی دیگر هم هستند که کتاب دارند ولی ممکن است از معروفیت و شهرت لازم برخوردار نباشند اما اجمالاً صاحبان کتب معروف و مشهور قابل احصاء هستند.

همین که شیخ طوسی روایات تهذیبین را از این کتب معروفه و مشهوره اخذ کرده طبیعتاً برای اتصال صاحب کتاب به معصوم نیازی به پیگیری طریق و سند روایات نیست و عمدتاً هم در اوائل اسناد شیخ طوسی از صاحبان کتاب نقل کرده و اتصال خودش را به صاحبان کتاب در بخش مشیخه ذکر کرده و جاهایی را هم که ذکر نکرده در کتاب فهرست معلوم است، پس روایات تهذیبین که شیخ طوسی اعتراف کرده آن‌ها را از کتب معروفه و مشهوره نقل کرده بررسی سندی لازم ندارد ولی عمده این است که معلوم شود این کتب در عصر شیخ طوسی بوده و همچنین معلوم شود که او از این کتب اخذ کرده که عرض کردیم هر دو مطلب ثابت شده؛ یعنی هم این کتب در عصر شیخ طوسی وجود داشته و هم شیخ طوسی اعتراف کرده که روایات تهذیبین را از کتب معروف و مشهور اخذ کرده است.

### **اشکال:**

شاید اشکال عمده‌ای در این نباشد که کتب معروف و مشهور در عصر شیخ طوسی بوده و او هم روایات تهذیبین را از این کتب اخذ کرده تنها یک اشکال مهمی که ممکن است به نظر برسد این است که معلوم نیست که اخبار شیخ طوسی از این کتب و اصول معروفه و مشهوره اخبار عن قرائه او سماع بوده چون نقل از کتب معروف و مشهور به صور مختلفی ممکن است منتها همه آن‌ها معتبر نیست؛ مثلاً یک طریق اجازه بوده؛ یعنی صاحب کتاب به کسی اجازه داده که روایات او را نقل کند و این فرق می‌کند با اینکه شخص، روایت را از صاحب کتاب شنیده باشد؛ یعنی صاحب کتاب روایت را خوانده باشد و این

شخص شنیده باشد، اگر فرض کنیم کسی از صاحب کتاب، روایتی را نقل کند و بگوید: «عن فلان» در صورتی که خودش روایت را از صاحب کتاب شنیده باشد درست است که بگوید: «عن فلان»، یا اینکه از طریق سماع بوده؛ یعنی روایتی را در جمعی خوانده باشند و این شخص هم شنیده باشد؛ مثلاً صاحب کتاب به شخصی گفته باشد این روایت را بخوان و او در یک جمعی خوانده باشد و این شخص هم شنیده باشد که اگر این دو صورت باشد؛ یعنی اخبار عن قرائه و اخبار عن سماع باشد در این دو صورت ما می‌توانیم بگوییم که اخبار از کتب و اصول معروفه و مشهوره صحیح است اما اگر اخبار عن اجازه باشد یا اخبار بواسطه دیدن نام کتاب در فهرس باشد در این صورت نمی‌توانیم بگوییم که اخبار از کتب و اصول معروفه و مشهوره بوده است، پس اخبار از کتب معروفه و مشهوره به طرق مختلفی بوده که فقط در صورتی این اخبار صحیح است که عن قرائه یا عن سماع باشد.

پس ممکن است گفته شود درست است که شیخ طوسی اخبار از کتب معروفه و مشهوره کرده ولی معلوم نیست اخبار او عن قرائه یا عن سماع بوده باشد و همچنین معلوم نیست که وسائط بین شیخ طوسی و صاحبان کتب، روایاتی را که از آن کتب معروفه نقل کرده‌اند از طریق معتبری مثل قرائت توسط صاحب کتاب و یا سماع نقل کرده باشند.

#### **پاسخ:**

با توجه به تعابیری که در نقل روایات از این کتب مشاهده می‌شود این احتمال یک احتمال خلاف ظاهر است، وقتی تعبیر این است که: «حدیثی فلان عن کتابه» یا «أخبرنی فلان عن کتابه»، ظهور این تعابیر در این است که یا خود صاحب کتاب برای این شخص قرائت کرده یا اخبار از طریق سماع بوده است، اگر از طریق اجازه یا مراجعه به فهرس، خبر را نقل کرده باشد این تعابیر به کار برده نمی‌شود البته در مورد اجازه هم ممکن است در این قرون متأخره این تعابیر بکار برده شود ولی کلاً تعبیراتی که در مقام نقل خبر از صاحبان کتب بکار می‌رود تعبیراتی است که این احتمال را ضعیف می‌کند پس ظاهر این است که وقتی از کتابی نقل روایت می‌شود، از طریق قرائت یا سماع است، پس در مجموع این دلیل دوم هم قابل قبول است.

«والحمد لله رب العالمین»